

# نقش سازمان‌های زنان در انقلاب مشروطه



گرددآوری و تحوین: مرجان پیشایلی

انقلاب مشروطه ایران ۱۲۹۰-۱۲۸۵ (۱۹۱۱-۱۹۰۶ م) یکی از مهم‌ترین انقلاب‌های اجتماعی خاورمیانه است و مانند انقلاب‌های روسیه، چین و مکزیک جزئی از نهضت جهانی انقلاب در اوایل قرن بیستم به شمار می‌آید.

اگرچه انقلاب مشروطه ایران با تعطیل مجلس و مشروطه دوم شکست خورد و به اهداف خود نرسید ولی تأثیر انکارناپذیری بر روند تحولات اجتماعی و اقتصادی ایران گذاشت که این تأثیرات هنوز هم به قوت خود باقیست و جریاناتی که امروز در ایران از دمکراسی و حقوق بشر جانبداری می‌کنند، در پی اجرای خواست‌هایی هستند که از انقلاب مشروطیت آغاز شده‌اند و هنوز مشحون از روح آزادیخواهی مشروطه‌خواهان هستند.

انقلاب مشروطه دروازه ورود ایرانیان به دنیای جدید و آغازی بر فاصله گرفتن از شیوه‌ی نگرش سنتی و محافظه‌کار به سمت قبول معیارهای جهانی بشر دنیای جدید بود. آنچه که در این مطلب مختصر مورد نظر ماست تحولات مربوط به حقوق، آموزش و مشارکت اجتماعی زنان است که خود یکی از عجیب‌ترین و بدیع‌ترین صحنه‌ها را در طول انقلاب مشروطه به وجود آورد و آن قدر مهم بود که در اسناد معتبر اروپایی و گزارش خبرنگاران روزنامه‌هایی مانند تایمز بارها منعکس شد.

نخستین بار مورگان شوستر، آمریکایی جوانی که مستشار مالی حکومت جدید ایران بود در کتاب اختناق ایران (۱۹۱۲) داستان انجمن‌های نیمه مخفی زنان را که در جریان انقلاب مشروطه تشکیل شده بود برای دنیای خارج روایت کرد. شوستر که در مدت اقامتش چندین بار از یاری انجمن‌های زنان بهره‌مند شده بود از سهم زنان در آرمان انقلاب با تحسین یاد کرد:

زنان محببه‌ی ایرانی که با تجربه‌ای ناچیز یک شبه آموزگار، روزنامه‌نویس، مؤسس باشگاه‌های زنان و سخنگو در مباحث سیاسی شدند، کاری کردند که نهضت زنان در غرب ده‌ها و شاید صدها سال برای انجام آن وقت صرف کرده بود.<sup>(۱)</sup>

تنها ۶۰ سال پس از آن در پی پژوهشی، اطلاعات جدیدی در مورد رهبران زن در انقلاب مشروطه به دست آمد و دوباره در زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران ۱۳۵۷ (م ۱۹۷۹) ریشه‌های بومی نهضت زنان مورد توجه محققین قرار گرفت.

مطابق اسناد و تحقیقات تاریخی اولین جرقه‌های مشارکت زنان در امور اجتماعی و سیاسی، شرکت در تظاهرات انقلاب مشروطه به طرق مختلف بود:

نوشته‌اند که در سال ۱۲۸۵ ش که مشروطه‌خواهان در باغ سفارت بریتانیا متحصن شدند، چندین هزار زن گرد آمدند تا به اعتصاب کنندگان بپیوندند اما مقامات بریتانیایی مداخله کردند و مانع شرکت آن‌ها شدند.<sup>(۲)</sup>

پس از توشیح فرمان ملوکانه مبنی بر رسمیت حکومت مشروطه در مرداد ۱۲۸۵ (اوت ۱۹۰۶) زنان دست‌اندرکار در دو مسئله سیاسی مهم روز دخالت کردند، یکی طرح تأسیس بانک ملی به عنوان اولین بانک ایرانی با سرمایه ایرانی و دیگری تحریم منسوجات خارجی.

- گردآوری و جوه برای بانک ملی محوری شد که زنان حول آن متشکل شدند. سید جمال‌الدین واعظ (بدر نویسنده مشهور جمال‌زاده) از بالای منبر از زنان و مردان خواست که برای تشکیل بانک پول بدهند. این تقاضا با استقبال پرشور روبه‌رو شد.<sup>(۳)</sup>

در مورد حمایت پرشور زنان از تأسیس بانک ملی مجلس در آبان ۱۲۸۵ (نوامبر ۱۹۰۶) گزارش داد: «بیه‌زنان گوشواره و

دستبند خود را برای ادای قرض دولت و تأسیس بانک داخله حاضر کرده و هر یک می خواهند که در این باب بر دیگران سبقت گیرند.<sup>(۳)</sup>

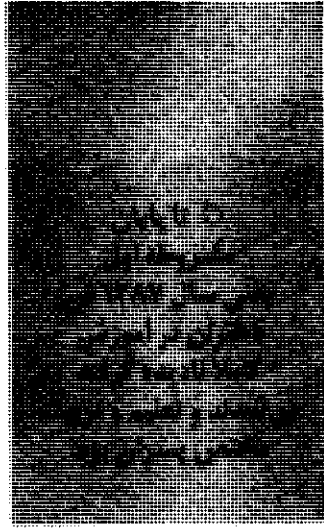
- تحریم منسوجات وارداتی اروپایی، این نهضت شباهت هایی با نهضت ملی هند (۱۹۱۱-۱۹۰۴) داشت که در آن زنان هندی منسوجات اروپایی را تحریم کرده بودند و اعتقاد بر این بود که تحریم منسوجات اروپایی ملت را از وابستگی اش به تاجران و تولید کنندگان اروپایی آزاد می سازد و در این مورد زنان با برگزاری تظاهراتی در تبریز و تهران مردم را تشویق به استفاده از منسوجات داخلی کردند. در گفتمان جدید ملی، مردان به نام ناموس و غیرت برانگیخته می شدند تا بر علیه فساد، استبداد، فقر و بی قانونی جامعه به نهضت ملحق شوند.

- اگرچه مردان مشروطه خواه می خواستند با صحبت از وضعیت زنان و برای رسیدن به هدف های ملی خود که کاملاً مردمدارانه بود استفاده کنند و هنوز ذهنیت منسجمی در مورد آموزش و حقوق زنان وجود نداشت و زن به عنوان مادر و همسر در چهارچوب فضای خانه و تحت قیمومیت همسر خود تلقی می شد ولی زنان ایرانی هر روز بیش تر در نهضت ملی شرکت می کردند، خیلی زود این مرزهای محدود را پشت سر گذاشتند، انجمن های مخصوص خود را تشکیل دادند و مطالبات جدیدی را مطرح کردند. قانون انتخابات شهریور ۱۲۸۵ علناً زنان را از فرآیند سیاسی محروم کرده بودند و تقاضاهایی که از مجلس تازه تأسیس به منظور حمایت قانونی از نهادهای زنان صورت می گرفت، بی جواب ماند.

### آموزش زنان پس از انقلاب مشروطه

اگرچه زنان در بسیاری عرصه های انقلاب مشروطه فعالیت کردند که ذکر مختصری از آن در بالا آمد ولی تقاضای آموزش به صورت امروزی نقطه ی درخشان مطالبات زنان پس از انقلاب مشروطه است.

تعلیم و تربیت پیش از انقلاب مشروطه به طور عمده تعلیم و تربیت سنتی در مکتب خانه ها بود. ملای مکتب دروس عربی و قرآن و فارسی و کمی حساب و کتاب به بچه ها یاد می داد. بچه ها چهارزانو در زیرمین های نمود و تاریک می نشستند و دروس ملا را تکرار می کردند و با کوچک ترین اعتراضی به فلک بسته می شدند. دورانی که موج نواندیشی در ایران بالا می گرفت، در اروپا یک سده از طرح و گسترش اندیشه های جدید آموزش و پرورش می گذشت.<sup>(۴)</sup> طبقات فرادست جامعه با فرستادن دختران خود به



مکتب خانه های دخترانه آنان را تحت تعلیم و تربیت قرار می دادند. مکتب خانه های دخترانه نیز وضعیت اسفباری داشتند. با توجه به این که فرستادن به مکتب خانه ها تنها محدود به طبقات بالای جامعه می شد، بی سوادی تقریباً در بین زنان ایرانی صد درصد بود.

قبل از انقلاب مشروطیت میسیون های مذهبی مسیحی مدارسی را به شکل نو در ایران ایجاد کرده بودند. جاستین پرکینز، عضو میسیون پرستستان آمریکا که به گفته ی خودش اولین آمریکایی بوده که در ایران زندگی می کرده است و مدرسه ای در سال ۱۲۱۵ در ارومیه تأسیس کرده بود می گوید: "از یک مدرسه در آدا دیدن کردم، سه ماه است که این مدرسه باز شده و ۴۰ شاگرد دارد. بچه ها بسیار خوب پیشرفت کرده اند، جالب آن که دخترها هم در این مدرسه درس می خوانند. وقتی ما وارد ارومیه شدیم حتی یک نفر زن هم سواد خواندن و نوشتن نداشت."<sup>(۵)</sup> در مدارس میسیونری مذهبی کودکان یهودی و مسیحی و مسلمان در کنار هم درس می خواندند اما با اعتراض گروهی از روحانیون مسلمان، نوآموزان مذاهب مختلف در کلاس های جداگانه جای گرفتند. پس از چند سال شنیدر پز شک ویژه مظفرالدین شاه و رئیس انجمن منطقه ای آلیانس در ایران آموزشگاه هایی برای کودکان یهودی در تهران و برخی شهرستان ها دایر کرد که تا زمان انقلاب اسلامی



### برقرار بود.<sup>(۶)</sup>

این ها مدارسی بودند که به وسیله ی میسیون های مذهبی در ایران تأسیس شدند. اگرچه که تأسیس دارالفنون به وسیله ی امیرکبیر آموزش و پرورش نوین را وارد ایران کرد، ولی این رویکرد تا انقلاب مشروطه بسیار محدود بود. نخستین مدرسه را میرزا حسن رشدیه (پدر آموزش و پرورش نوین در ایران) در سال ۱۲۶۶ ش در تبریز باز کرد ولی به علت مخالفت برخی با آموزش و پرورش نوین و تهدید وی، رشدیه ناچار شد شبانه به مشهد فرار کند.<sup>(۷)</sup>

تا پایان مشروطه اول یعنی سال ۱۲۸۷ ش دختران در آموزش کاملاً نادیده گرفته می شدند و تعلیم و تربیت مختص پسران بود.<sup>(۸)</sup> در دی ماه ۱۲۸۵ (۳۰ دسامبر ۱۹۰۶) روزنامه ی مجلس تقاضای یک زن را در حمایت از آموزش زنان و مشارکت اجتماعی آن ها چاپ کرد. این نامه خطاب به سید محمد طباطبایی بود و نویسنده خواستار حمایت حکومت از مدارس دخترانه شد و اعلام کرد که ایران به دلیل عدم آموزش زنان از ترقی اقتصادی و اجتماعی بازمانده است. ژاپن (مدل پیشرفت آسیا برای میلیون ایران) صرفاً به دلیل تماس های اولیه اش با غرب نبود که چنان پیشرفتی کرده بود. ایران به این علت از قافله ی تمدن عقب مانده بود که زنانش از آموزش محروم بودند.

پاسخ مجلس نشان دهنده ی این بود که به رغم تحولات سیاسی در کشور، بسیاری از نمایندگان در صدد حفظ همان روابط سنتی بودند. سر دبیر مجلس تنها از آموزش محدود خانه داری و تربیت کودکان حمایت کرد.<sup>(۹)</sup> اما زنان منتظر حمایت قانونی نماندند. به طرق گوناگون تشکل یافتند و خیلی زود مدارس، درمانگاه ها و یتیم خانه هایی را تأسیس کردند. در ۲۹ دی ۱۲۸۵ (۲۰ ژانویه ۱۹۰۷) اجتماعی از زنان در تهران تشکیل شد و در آن قطعنامه ای به تصویب یکی از مواد آن تقاضای تأسیس مدارس دخترانه و دیگری الغای جهیزیه سنگین بود. زیرا عده زیادی معتقد بودند که پولی که برای جهیزیه دختران پس انداز می شود باید صرف تعلیم و تربیت آن ها گردد.<sup>(۱۱)</sup> سه سال بعد یعنی در ۱۹ فروردین ۱۲۸۹ (۲ آوریل ۱۹۱۰) ۵۰ مدرسه دخترانه در تهران دایر و یک کنگره زنان که به موضوع آموزش اختصاص داشت در پایتخت تأسیس شده بود.<sup>(۱۲)</sup>

برخی از انجمن های زنان که در سال های ۱۲۹۰-۱۲۸۵ (۱۹۱۱-۱۹۰۷ م) فعال بودند عبارتند از: انجمن آزادی زنان که از اولین جمعیت ها در نوع خود بود، اتحادیه ی غیبی نسوان، انجمن نسوان،

انجمن محذرات وطن که عده‌ای از زنان برجسته عضو آن بودند که با رهبران مشروطه خواه ارتباط نزدیک خانوادگی داشتند. مبارزترین انجمن‌های زنان، یا لاقل آن‌هایی که فعالیت‌شان در مطبوعات به چشم می‌خورد در تهران بودند ولی انجمن‌هایی در آذربایجان، اصفهان و سایر شهرستان‌ها هم فعالیت داشتند.

علمای ضد مشروطه با نهضت تعلیم و تربیت مخالف بودند. شیخ فضل‌الله نوری و سیدعلی شوشتری مدارس جدید را محکوم کردند و فتوا دادند که این گونه نهادها خلاف اسلام هستند (۱۳) - شیخ فضل‌الله در نامه‌ای که به تهران فرستاده شد اعلام کرد که مدرسه علم برای نسوان خلاف دین و مذهب است. این اقدام علما مخالفان مدارس را جسورتر کرد به طوری که در خیابان به محصلان و معلمان حمله می‌کردند و به صورت‌شان تفت می‌انداختند و آنان را بی‌عفت می‌خواندند. جالب این که نوه شیخ فضل‌الله نوری، زهرا خانلری (کیا) از یکی از نخستین مدارس دخترانه به نام ناموس فارغ التحصیل و بعدها معلم، نویسنده و حامی فعال نهضت زنان شد.

عده‌ای از زنان نیز در مقابل بی‌عملی مجلس موضع گرفتند و خواستار اقدام جدی و فوری مجلس شدند. آن‌ها همچنین در نامه‌های خود به مجلس اول به طور جدی از اوضاع اقتصادی و اجتماعی انتقاد می‌کردند و از مجلس می‌خواستند که از انجمن‌های زنان حمایت قانونی کند. نمایندگان محافظه کار مجلس حتا از طرح موضوع زنان در مجلس خودداری می‌کردند ولی چند نماینده‌ی اصلاح طلب با احتیاط از این درخواست حمایت کردند از جمله وکیل‌الرعیای که سخنرانی‌های او در مجلس در حمایت از حقوق زنان شگفتی همگان را برمی‌انگیخت.

در خرداد ۱۲۸۷ (ژوئن ۱۹۰۸) که مجلس به توپ بسته شد و مرکز مشروطیت به تبریز منتقل شد، گروه‌هایی از زنان این شهر به نهضت مقاومت پیوستند و در جریان محاصره‌ی ده ماهه‌ی تبریز توسط قشون سلطنتی عده‌ای از زنان با لباس میدل برای دفاع از شهر به مردان ملحق شدند (۱۴) و در میان نیروهای ملی که سرانجام در سال ۱۲۸۸ (۱۹۰۹) پایتخت را فتح کردند چندین زن بودند که متأسفانه اطلاعات زیادی در موردشان نداریم.

پس از این جریان و در شروع مشروطه دوم بحث مناسبات زن و مرد بالا گرفت و انتقادات در مورد بستر سنتی این روابط علنی‌تر شد. فعالیت‌های زنان در طول مشروطه اول یعنی

سال‌های ۱۲۸۷-۱۲۸۵ ش (۱۹۰۸-۱۹۰۶ م) تشکیل انجمن‌های مربوط به زنان، چاپ مقالات و نشریه‌های مربوط به مسائل زنان، تأسیس مدارس با شیوه‌های جدید آموزش و مقابله با برخی علمای مخالف آموزش زنان بود. اما پس از اعاده مشروطه یعنی شروع مشروطه دوم مطالبات دیگری نیز وارد جنبش زنان شد که به آن کمابیش رنگ و بوی سیاسی - فمینیستی داد. از جمله فعالیت گسترده جنبش زنان در مخالفت با استقراض خارجی از بریتانیا و روسیه. زنان جلساتی تشکیل دادند و با ایراد خطابه‌هایی پرشور مردم را دعوت به مقابله با مداخله کشورهای خارجی کردند. تأمین مخارج نهضت



از طریق برگزاری کنفرانس‌ها و نمایش‌های گوناگون انجام می‌گرفت و هماهنگی فعالیت‌های مدارس جدید دخترانه از طریق کنفرانس‌های زنان صورت می‌پذیرفت. (۱۵) از جمله زنان فعال در نهضت، تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه بود که در خاطرات خود رنج و آلام زنان را بی‌پرده بازگو کرده است که این خاطرات یکی از اسناد معتبر به‌جامانده در مورد وضعیت اسفبار زنان است. - حمایت از حقوق زنان - تنها زنان نبودند که هوادار اعاده حقوق خود و آزادی بودند عده‌ای از مردان روشنفکر نیز درباره‌ی حقوق زنان بحث می‌کردند. روشنفکران و نویسندگانی مانند دهخدا، وکیل‌الرعیای نماینده‌ی همدان در مجلس، ایرج میرزا و بعدها لاهوتی و عشقی از مدافعان

سرسخت حقوق زنان در ایران بودند. از جمله وقتی موضوع زنان در مجلس مطرح شد، دهخدا جزو معدود روزنامه‌نگارانی بود که مقاله‌ای را به این موضوع اختصاص داد.

ایران‌نوگزارش‌هایی درباره وضع زنان ایرانی و سرزمین‌های دیگر منتشر می‌کرد. فهرست اسامی کسانی که از طرح ایجاد بانک ملی حمایت کرده بودند چاپ شد و سخنرانی‌های زنان فارغ التحصیل مدارس دخترانه در این روزنامه منعکس گردید. مرد نویسنده‌ای با تحسین درباره‌ی مراسم فارغ التحصیلی نوشت: "می‌گفتند زن ناقص عقل و قابل تربیت نیست، این مجلس به ما نشان داد که زن، مخصوصاً زن ایرانی، قابل تربیت بلکه تا اندازه‌ای از مردها هم زودتر مستعد قبول علم هستند."

اخبار نهضت بین‌المللی زنان در ایران نودرج می‌شد. بعضی از انجمن‌های زنان تصمیم داشتند با طرفداران حق رأی زنان و فعالان نهضت زنان در بریتانیا و روسیه تماس برقرار کنند. (۱۶) در این هنگام وکیل‌الرعیای نماینده‌ی همدان با اشاره به نقش مؤثر و تردیدناپذیر زنان به مجلس دوم پیشنهاد داد که به زنان حق رأی اعطا شود. مبارزه برای حق رأی زنان در ایران موازی با کشورهای پیشرفته صنعتی آن زمان برای حق رأی زنان پیش می‌رفت. گزارشگر تایمز با شگفتی مباحثات مجلس را منعکس کرد و موضوع پیشنهاد حق رأی برای زنان را مفصلاً گزارش داد. (۱۷) اما سیدحسن مدرس رئیس علمای نجف در مجلس که باید حرف آخر را می‌زد اعلام کرد که بعد از نهضت مشروطه هیچ چیز به قدر پیشنهاد وکیل‌الرعیای مبنی بر اعطای حق رأی به زنان او را متعجب نکرده است:

"خداوند قابلیت در این‌ها قرار نداده است که لیاقت حق انتخاب را داشته باشند. گذشته از این که در حقیقت نسوان در مذهب اسلام مادر تحت قیمومیتند - الرجال قوامون علی النساء - در تحت قیمومیت رجال هستند. ابدأ حق انتخاب نخواهند داشت. دیگران باید حفظ حقوق زن‌ها را بکنند." مجلس نسخه‌ای از مصوبات خود را به تایمز داد و این روزنامه آن را چاپ کرد: "علت عدم مشمولیت زنان این است که خداوند استعداد و قوه لازم را برای شرکت در سیاست و انتخاب نمایندگان ملت به آن‌ها نداده است. زنان جنس ضعیف‌ترند و قوه قضاوت مردان را ندارند. اما حقوق‌شان را نباید پایمال کرد بلکه مردان طبق دستور حق تعالی در قرآن کریم، باید مراعات کنند." (۱۹) زنان تا ۵۰ سال بعد یعنی زمان انقلاب سفید حق رأی به دست نیاوردند.

## واکنش نهضت‌های زنان به تهدیدات امپریالیستی

در ۸ آذر ۱۲۹۰ حکومت روسیه با کسب موافقت دولت بریتانیا خواهان اخراج مورگان شوستر مشاور مالی دولت ایران شدند و از مجلس خواستند قبل از استخدام مستشاران جدید با آن دو قدرت فائقه مشورت کنند. ندای خشم سراسر کشور را دربر گرفت. زنان اصفهان و قزوین و آذربایجان با زنان تهرانی هم صدا شدند، شدیداً به مداخلات خارجی اعتراض کردند و خواهان تحریم کالاهای خارجی شدند و تظاهرات مفصلی را در شهرهای مختلف ایران ترتیب دادند. یکی از خانم‌ها اعلام کرد با آنکه قانون اسلام منع کرده است، زنان در جهاد شرکت خواهند کرد. به خصوص بر تحریم روسیه پافشاری کردند.

انجمن مخدرات وطن در ۱۴ آذر ۱۲۹۰ تلگرافی به مجلس فرستاد و نمایندگان را به دلیل انفعال سرزنش کرد. در همان روز انجمن مخدرات وطن که از بسیاری از ملت‌های جهان استمداد طلبیده بود، از مبارزان حق رأی زنان در بریتانیا نیز تقاضای همبستگی کرد: "حکومت روسیه با اولتیماتوم از ما می‌خواهد که استقلال خود را به او واگذار کنیم. گوش مردان اروپا فریادهای ما را نمی‌شنود. مگر شما زنان به ما کمک کنید." (۲۰)

اتحادیه اجتماعی و سیاسی زنان بریتانیا در

تلگراف جوابیه‌اش ناتوانی خود را در مورد تأثیرگذاری بر حکومت بریتانیا اعلام کرد: "متأسفانه نمی‌توانیم حکومت بریتانیا را واداریم که حتماً به ما، یعنی به هموطنانشان آزادی سیاسی بدهد. در مورد اقدامات آنان نیز قدرت تأثیرگذاری نداریم. قلب‌های ما از همدردی با خواهران ایرانی و تحسین اعمال میهن پرستانه و مبارزه جویانه آن‌ها مالا مال است."<sup>(۳)</sup>

علی‌رغم تلاش‌های پیگیرانه مردان و زنان ایرانی برای پیگیری خواست‌های مطرح شده در مشروطه اول و دوم، با جدی شدن تهدیدات خارجی و عقب‌نشینی کابینه در مقابل دولت‌های بریتانیا و روسیه دولت مجلس دوم را منحل کرد و مشروطه دوم در دسامبر ۱۹۱۱ - دی ۱۲۹۰ - به پایان رسید. تنها چندین دهه بعد یعنی سال‌های دهه ۱۳۵۰ (۱۹۷۰) بود که با خیزش انقلاب اسلامی ایران و حضور اقشار مختلف مردم در تحولات انقلابی، حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی دوباره مورد توجه ویژه قرار گرفت.

مطلب بالا مختصری بود از تاریخ مبارزات زنان ایرانی بعد از انقلاب مشروطه. لازم است در این‌جا از خانم دکتر ژانت آفاری که معتبرترین اسناد تاریخی در ارتباط با این واقعه تاریخی را جمع‌آوری و تحلیل کرده است، تشکر ویژه شود.

پانویس‌ها:  
۱- روزنامه مجلس، ارگان پارلمان حکومت مشروطه

۱- بود که مذاکرات مجلس را منعکس می‌کرد و در سال‌های (۱۲۸۷-۱۲۸۵) منتشر می‌شد.  
۲- راتین، انجمن‌های سری - ۹۹-۹۸  
۳- شیخ الاسلامی، زنان روزنامه نگار ۷۲ و ۷۱  
۴- مجلس: آذر ۱۲۸۵ (۲۷ نوامبر ۱۹۰۶)، شماره ۲ ص ۴  
۵- تاریخ ادبیات کودکان ایران، جلد سه، ص ۱۶۸  
۶- همان  
۷- همان  
۸- همان - ص ۱۹۲  
۹- همان  
۱۰- نامه‌ی یکی از مخدرات عالمه به سیدمحمد، مجلس ۳۰ دسامبر ۱۹۰۶ - شماره ۶ - ص ۴  
11-M. Yaukacheva, "The Feminist Movement in Persia, Central Asian Review (1959)  
12- "The Education of Women in Persia", The Times, August 13, P 1910  
۱۳- ملکزاده، تاریخ انقلاب ۳: ۱۸۲  
14-Yaukacheva, The Feminist Movement in Persia: 75  
۱۵- کنفرانس عمومی زنان، نشریه ایران نو، ۱۳ فروردین ۱۲۹۰، ۲ آوریل ۱۹۱۱، شماره ۷، ص ۱  
۱۶- آفاری، ژانت، انقلاب مشروطه ایران، فصل ۷، ص ۲۶۵  
17-"Women's Right in Persia": Appeal for the suffrage in the Mejlis. Times, August 22-1911- p3  
۱۸- مذاکرات مجلس، ۱۳ مرداد ۱۲۹۰ (۴ اوت ۱۹۱۱)  
19-Women's Right in Persia, Times, August 28-1911-P3  
20-Appeal from the women, Times, December 7-1911-P5  
21-Ibid

## حقوق زنان

برگ اشتراک

شماره اشتراک: ..... نام: ..... نام خانوادگی: ..... سن: ..... تحصیلات: .....  
شغل: ..... نشانی: ..... یا صندوق پستی: ..... تلفن: .....  
به پیوست فیش بانکی به شماره ..... مبلغ ..... ریال بابت اشتراک یک ساله مجله حقوق زنان (برای ۱۲ شماره) فرستاده می‌شود. خواهشمند است مجله را برای مدت یک سال از شماره ..... به نشانی بالا بفرستید.  
● برگ اشتراک را کامل و خوانا پر کرده و کد پستی را حتماً یادداشت کنید.  
● بهای اشتراک را به حساب جاری شماره ۱۳۹۲۰ بانک ملی ایران شعبه امیرآباد (کد ۱۲۸) به نام مجله حقوق زنان (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی ایران) واریز کرده و اصل فیش بانکی را همراه با برگ تکمیل شده اشتراک به آدرس: تهران - صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۳۶۳ بفرستید.  
● لطفاً کپی فیش بانکی را تا زمان دریافت نخستین شماره اشتراک نزد خود نگاه دارید. بهای اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) با پست عادی برای تهران و شهرستان ۶۵۰۰ تومان است. بهای اشتراک برای شش ماه (۶ شماره) نصف مبلغ بالا خواهد بود.  
● در صورت هرگونه تغییر در نشانی، سریعاً دفتر مجله را آگاه کنید.

شرایط اشتراک خارج از کشور

خوانندگان عزیز مقیم خارج از کشور می‌توانند حق اشتراک خود را به نشانی زیر پرداخت کنند و اصل فیش بانکی را همراه با فرم اشتراک به نشانی مجله حقوق زنان بفرستند.  
خوانندگان گرامی مقیم در کشورهای دیگر می‌توانند حق اشتراک خود را توسط خویشاوندان و دوستان در ایران پرداخت کنند. حق اشتراک سالانه: آمریکا، کانادا ۴۰ دلار - اروپا ۳۵ یورو

**BANK MELLI IRAN**  
**DANESHGAH BRANCH**  
**BANK CODE: 0087**  
**SWIFT CODE: MELIIRTH 087**  
**A/C: 2201206**  
**Beneficiary: HOGHOGH-e-Zanan**

شماره تماس: ۰۲۷۷۵۳  
تلفکس: ۵۵۴۳۹۱۷۲